امین

روزنامه سراسری سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: میرایوب پیرایش قهوه چی
نشانی دفتر تبریز: خیابان امام خمینی(ره) - کلانترکوچه - کوچه ششم پلاک ٦١ - طبقه اول
تلفن: ٣٣٣٥٢٧٧٤ (٠٤١) و ٣٣٣٥٢٧٧٩ (٠٤١)
تلفکس: ٣٣٣٥٢٧٥١ (٠٤١)
آدرس پست الکترونیکی: amine.mardom@yahoo.com
نشانی دفتر تهران: خیابان کارگر - نرسیده به چهارراه لشکر روبروی ساختمان پست - پلاک ٨٥١ طبقه سوم - واحد ٦
تلفن: ٦٦٤٩٤٣١٨ (٠٢١) و ٦٦٤٩٤٣٩١ (٠٢١)
چاپ: چاپ سبز

چهارشنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۵ / ۲۴ جمادی الاولی ۱۴۴۸ هـ. ق / 4 November ۲۰۲۶ / شماره ۷۳۴۵ / سال بیست و نهم

PDF Compressor Free Version

لیگ نخبگان فوتبال آسیا؛

تراکتور ۱۰ نفره از شکست گریخت

تیم فوتبال تراکتور ایران در هفته چهارم مرحله گروهی لیگ نخبگان آسیا شامگاه دوشنبه ۱۱ آبان از ساعت ۱۹:۳۰ به وقت تهران و با قضاوت چوی هیون جائه از کره جنوبی در ورزشگاه سلطان قابوس شهر مسقط عمان رو در روی تیم نفتچی ازبکستان قرار گرفت که این بازی با نتیجه تساوی ۲ بر ۲ به پایان رسید. تومیسلاو اشترکال و مسعود زائرکاظمینی برای تراکتور و پرسیا و جووویچ برای نفتچی در این بازی گلزنی کردند.بازیکنان نفتچی در دقیقه ٤ مسابقه نخستین موقعیت خطرناک بازی را روی دروازه تراکتور ایجاد کرد، اما پارسا جعفری که جایگزین بیرانوند در تراکتور است با خروج به‌موقع و واکنشی مناسب مانع از گلزنی مارکوس فورس شد. در ادامه نیز این دروازه‌بان با واکنشی خوب ضربه بازیکنان نفتچی را مهار کرد و توپ را به کرنر فرستاد.

راتینهو در دقیقه ۱۷ با شوتی محکم دروازه تراکتور را تهدید کرد، اما ضربه او با اختلاف اندکی از کنار دروازه به بیرون رفت.جواد نکونام سرمربی تراکتور در دقیقه ۳۷ برای ایجاد تغییر در روند بازی تصمیم به تعویض زودهنگام گرفت و شهریار مغانلو را از زمین خارج کرد تا تومیسلاو اشترکال جایگزین او شود.



تراکتور که در نیمه دوم به دنبال باز کردن دروازه نفتچی بود، در دقیقه ٤٩ با شوت از راه دور امیرحسین حسین‌زاده صاحب نخستین موقعیت جدی خود شد، اما ضربه این بازیکن را تانتاشف مهار کرد.

در دقیقه ٥٤، نفتچی روی حرکت ابراربک اسماعیل‌اف و عبور او از شجاع خلیل‌زاده به گل رسید. پاس این بازیکن در مقابل دروازه به استیپه پریتسا رسید تا مهاجم نفتچی با استفاده از این فرصت دروازه تراکتور را باز کند.

در دقیقه ٦٠، فرشاد فرجی در جریان برخورد با بازیکن نفتچی با استوک کفش خود به سر حریف ضربه زد و داور نیز به دلیل شدت این خطا، مدافع تراکتور را با کارت قرمز مستقیم از زمین مسابقه اخراج کرد تا نماینده ایران ۱۰ نفره به کار خود ادامه دهد.

در دقیقه ۷٤ نیز هادی حبیبی‌نژاد با شوتی دروازه نفتچی را هدف گرفت، اما ضربه او با اختلاف از کنار دروازه به بیرون رفت.تراکتور با وجود ۱۰ نفره شدن، به حملات خود ادامه داد و در دقیقه ۸۱ روی همکاری امیرحسین حسین‌زاده و تومیسلاو اشترکال به گل تساوی رسید. حسین‌زاده با ارسال پاس عمقی، اشترکال را در موقعیت تک‌به‌تک با دروازه‌بان نفتچی قرار داد و این مهاجم نیز با استفاده از فرصت به‌دست‌آمده، توپ را وارد دروازه کرد تا بازی به تساوی یک بر یک کشیده شود. تراکتور در وقت‌های تلف‌شده نیمه دوم فرصت داشت تا بار دیگر دروازه نفتچی را باز کند، اما بازیکنان این تیم با بی‌دقتی در استفاده از موقعیت به‌دست‌آمده، توپ را در اختیار مدافعان حریف قرار دادند. در ادامه و در دقیقه ۹۰+٤، جووویچ که در دقیقه ۷٦ به عنوان بازیکن تعویضی وارد زمین شده بود، با شوتی تماشایی از پشت محوطه جریمه موفق شد برای دومین بار دروازه تراکتور را باز کند. در حالی که تراکتور در واپسین دقایق مسابقه با گل جووویچ از حریف خود عقب افتاده بود، شاگردان نکونام تسلیم نشدند و در دقیقه ۹۰+۷ بار دیگر دروازه نفتچی را باز کردند. در این صحنه امیرحسین حسین‌زاده با پاسی دقیق، مسعود زائرکاظمینی را در موقعیت تک‌به‌تک با دروازه‌بان حریف قرار داد و این بازیکن با ضربه‌ای موفق به گلزنی شد تا تراکتور در ثانیه‌های پایانی بازی را به تساوی بکشاند و از شکست فرار کند.

ذکر روز چهارشنبه

«یا حَیُّ یا قَیّومُ»
ای زنده و ای پاینده

رخدادهای تاریخی امروز

- تبعید «امام خمینی»(ره) از قم به ترکیه توسط ایادی رژیم فاسد پهلوی (۱۳۴۳ ش)
- تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و روز مبارزه با استکبار جهانی (۱۳۵۸ ش)
- باراک اوباما اولین سیاه پوست رییس جمهور امریکا شد (۲۰۰۸م)
- تولد «فردریک بانتینگ» پزشک کانادایی و کاشف انسولین (۱۸۹۱م)
- اختراع ترانزیستور توسط دانشمندان امریکایی (۱۹۴۸م)

استفتائات رهبری

آیا کفِ چوبی خانه که نجس شده با آب متصل به کر، تطهیر می شود؟

پس از برطرف شدن عین نجاست با یک بار شستن با آب متصل به کرّ، پاک می شود؛ البته اگر نجاست به چوب نفوذ کرده باشد فقط ظاهر آن پاک می شود.

حدیث روز

امام علی علیه السلام

قَد جَهِلَ مَن استَنصَحَ أعداءَهُ .

کسی که از دشمنانش انتظار خیرخواهی داشته باشد، نادان است.

داستان دنباله دار

ساغر قسمت ٤٣ سعیده پیرایش

... کمی بعد، محمد با برگه‌ای در دست جلو آمد و شروع کرد به توضیح دادنِ افراد و جزئیاتِ درونِ نقاشی.

او خانه‌ای کشیده بود که خودش، ساغر و کمال درونِ آن حضور داشتند؛ اما پدرِ خودش (شهاب) را دورتر، درونِ یک مربع و با چهره‌ای اخمو در گوشه‌ای از کاغذ جای داده بود. محمد خودش را بدونِ دهان و انگشتانِ دست به تصویر کشیده بود؛ در حالی که ساغر و کمال با لبخند، دست در دستِ هم ایستاده بودند. دستِ خودِ محمد در دستِ ساغر بود، اما یک دستِ دیگرش را به سمتِ تصویرِ پدر دراز کرده بود.

خورشید در گوشه‌ای از آسمان، ترکیبی از رنگِ زرد و سیاه داشت و دورِ جایگاه پدر با خطی قرمز رنگ‌آمیزی شده بود. در آسمان خبری از پرنده یا ابر نبود و روی زمینِ خالی، دو گل با فاصله‌ی بسیار زیاد از یکدیگر به چشم می‌خوردند که رنگ‌ولعابی از قرمز و سیاه داشتند. خانه‌ای که خودشان درونش بودند را به رنگِ سبز در آورده بود، اما دیوارهای درونِ آن را سفید و خالی گذاشته بود. کنارِ هر پنجره، گلدانی با گل‌های صورتی خودنمایی می‌کرد و درِ خانه را بزرگ و به رنگ قهوه‌ای تیره تصویر کرده بود.

دکتر بعد از اینکه نقاشیِ محمد را به دقت از نظر گذراند و یادداشت‌هایی روی کاغذ نوشت، رو به کودک کرد و با مهربانی گفت: محمدجان، دوست داری یکمی بازی کنی تا من با پدر و مادرت کمی حرف بزنم؟

محمد سرش را تکان داد، اما حرفی نزد. دکتر زنگِ کوچکِ روی میزش را به صدا درآورد و چند ثانیه بعد، منشی با لبخند وارد اتاق شد. خانم دکتر رو به او کرد و گفت: بی‌زحمت محمدجان رو ببرین اتاقِ بازی!

منشی به سمتِ محمد دست دراز کرد و با صدایی گرم گفت: بیا عزیزم!

ساغر با چهره‌ای نگران و پر از دلهره به سمت دکتر برگشت. خانم دکتر که متوجهِ آشوبِ درونِ او شده بود، با آرامش توضیح داد:

نگران نباشید؛ اتاقِ بغلی پراز اسباب‌بازیه، بچه اونجا مشغول می‌شه تا ما با خیالِ راحت حرف بزنیم.

ساغر نفسِ حبس‌شده‌اش را با آهی بیرون داد و همان‌جا روی کاناپه، ساکت و چشم‌انتظار نشست.

با بسته‌شدنِ در و رفتنِ محمد، فضای اتاق کمی تغییر کرد. دکتر نگاهی به هر دویشان انداخت و رو به آن‌ها کرد: ببینید، در چنین شرایطی، کودک به‌طور غریزی می‌خواد با هر دو والدش ارتباط داشته باشد و دلش می‌خواد همه‌چیز آرام باشد. وقتی پدرش تلاش می‌کنه روابطِ شما رو تخریب کنه و به بچه حسِ گناه می‌ده که چرا در کنارِ شما خوشحاله، بارِ روانی سنگینی رو روی دوشِ این بچه‌ی معصوم می‌ذاره. از اون طرف، شما هم وقتی محمد برمی‌گرده، ناخودآگاه گارد می‌گیرید و مدام او رو سوال‌پیچ می‌کنید... همین باعث می‌شه بچه برای فرار از این فشار، حتی به شما دروغ بگه تا پدرش رو پیشِ شما خوب جلوه بده!

ادامه دارد

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
[illegible]
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
[illegible]
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
[illegible]
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
[illegible]
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
[illegible]